

## بررسی و تحلیل الگوی استقرار دوره‌ی اشکانی حوضه‌ی آبریز رودخانه‌ی لعل‌وار استان مرکزی

سیده لیلا بنی‌جمالی<sup>I</sup>، علیرضا هژبری نوبری<sup>II</sup>، سید مهدی موسوی کوهپیر<sup>III</sup>،  
سید رسول موسوی حاجی<sup>IV</sup>، جواد علائی مقدم<sup>V</sup>

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2019.11504.1498  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۳  
(از ص ۱۱۳ تا ۱۳۶)

### چکیده

منطقه‌ی لعل‌وار استان مرکزی به‌عنوان بخشی از حوضه‌ی آبریز رودخانه‌ی قمرود بزرگ، به بخشی اطلاق می‌گردد که از نظر ساختار توپوگرافی محیط جغرافیایی با بستر اصلی قمرود متفاوت بوده و شامل دشت میان‌کوهی و ناهمواری‌های بلند پیرامون آن می‌شود. این منطقه به‌علت شرایط مساعد محیطی همواره مورد استقبال بشر قرار داشته و از ادوار مختلف در آن شواهد استقراری قابل رؤیت است. با توجه به بررسی‌های باستان‌شناختی صورت‌پذیرفته در منطقه‌ی لعل‌وار استان مرکزی که طی دو دوره در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳ انجام شد، تعداد ۱۸۵ محوطه‌ی باستانی از هزاره‌ی پنجم قبل از میلاد تا دوره‌ی قاجار شناسایی شد. از مهم‌ترین دوره‌های استقراری این منطقه می‌توان به دوره‌ی اشکانیان اشاره نمود که وجود محوطه‌های شاخص و بزرگی چون: خورمه، شهریار و جم، تأییدی بر آن است. با وجود اهمیت این دوره، مطالعات جامع و مستقلى در خصوص آن صورت نگرفته است و پرسش‌هایی چون: چگونگی ساختار الگوی استقراری دوره‌ی اشکانی و عوامل تأثیرگذار بر مکان‌گزینی محوطه‌های اشکانی، هم‌چنان در پرده‌ای از ابهام باقی‌مانده بود. در این راستا، نگارندگان با انجام بررسی‌های دقیق و روشمند باستان‌شناسی در منطقه و هم‌چنین تهیه‌ی نقشه‌های GIS به مطالعه و پژوهش در این زمینه اقدام نموده و در نهایت به تحلیل و بازسازی سیمای منطقه‌ی لعل‌وار در دوره‌ی اشکانی و الگوهای محیطی استقرارهای این دوره پرداختند. نتایج بیانگر این مهم است که در دوره‌ی اشکانی از یک سو، منطقه شاهد نوعی افزایش شواهد استقراری و جمعیتی است؛ و از سوی دیگر، در این دوره محوطه‌های شاخص و مرکزی بزرگی هم‌چون بنای خورمه و جم شکل می‌گیرند. در این دوره برعکس دوران پیشین، بیشتر استقرارها در حاشیه‌ی رودخانه و در زمین‌های هموار با خاک حاصلخیز شکل گرفته‌اند که خود حاکی از توجه بیشتر به شرایط لازم برای شیوه‌ی معیشت بر مبنای کشاورزی است.

**کلیدواژگان:** حوضه‌ی آبریز لعل‌وار، محوطه‌های اشکانی، الگوی استقراری، عوامل محیطی، بررسی باستان‌شناختی.

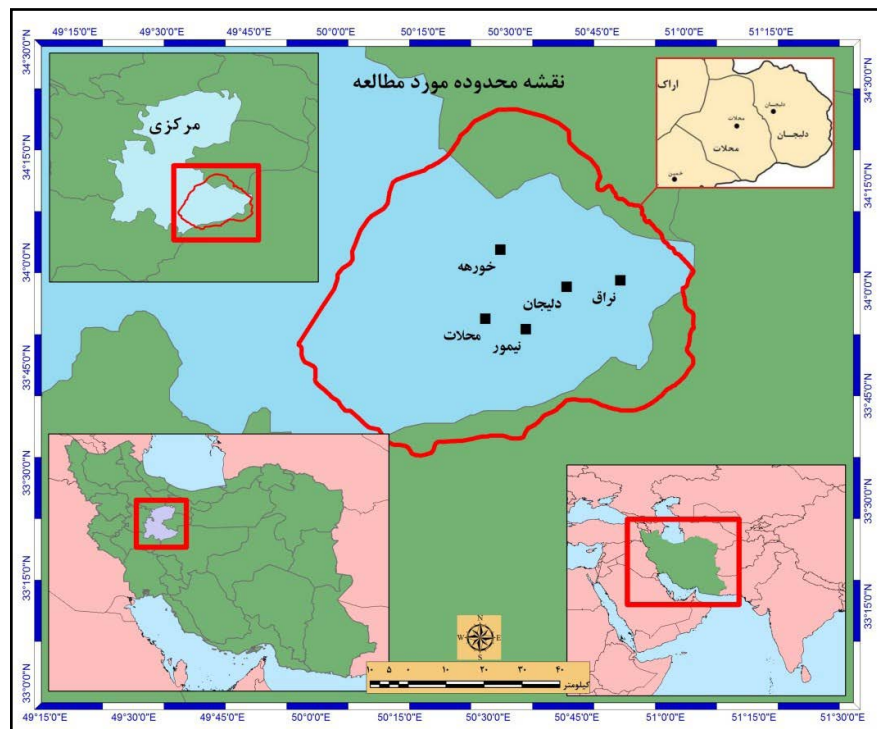
## مقدمه

دوره‌ی اشکانی به‌عنوان یکی از دوره‌های تاریخی ایران، با وجود گستردگی مکانی و دوره‌ی زمانی زیاد، کمتر شناخته شده است و با وجود شواهد زیاد باستان‌شناسی از این دوره در مناطق مختلف ایران، کمتر به مطالعه‌ی جامع و بررسی ساختار استقراری آن پرداخته شده است. استان مرکزی نیز با دارا بودن چندین پهنه‌ی جغرافیای مشخص و مستقل، در این مورد همانند بیشتر نقاط ایران فاقد مطالعات روشمند بوده و وضعیت دوره‌ی اشکانی بخش‌های مختلف آن هم‌چون حوضه‌ی آبریز رودخانه‌ی لعل‌وار، در پرده‌ای از ابهام باقی مانده است. حوزه‌ی پژوهشی مورد نظر در جنوب استان مرکزی یا به عبارتی جنوب فلات مرکزی ایران واقع شده است؛ این حوزه شامل شهرستان محلات و بخش‌های شمال غربی شهرستان دلیجان و بخش‌های اندکی از شهرستان خمین با وسعتی معادل ۲۸۸۰ کیلومتر مربع می‌باشد که از نظر هیدرولوژیکی در حوضه‌ی آبریز رودخانه‌ی لعل‌وار قرار دارد (نقشه ۱).

بررسی اولیه‌ی این منطقه توسط «خسرو پوربخشنده» (پوربخشنده، ۱۳۹۴) و بررسی مجدد این منطقه در سال ۱۳۸۷ ه.ش. توسط «جواد علایی مقدم» و «لیلا بنی‌جمالی» انجام شد (علایی مقدم و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸) و در نهایت در سال ۱۳۹۳ ه.ش. بخش‌های دیگری از منطقه مورد بررسی مجدد و بازنگری قرار گرفت (بنی‌جمالی و علایی مقدم، ۱۳۹۳). با توجه به بررسی‌های باستان‌شناختی صورت گرفته در منطقه لعل‌وار تعداد ۱۸۵ محوطه‌ی باستانی شناسایی شد که از این تعداد، ۴۴ محوطه دارای شواهد استقراری از دوره‌ی اشکانی است و این شواهد حاکی از این موضوع است که این منطقه در دوره‌ی اشکانی دارای اهمیت بسیار زیادی بوده است.

**پرسش‌ها و فرضیات پژوهش:** در این راستا دو پرسش بنیادی مطرح است: ۱- الگوی استقراری حوضه‌ی آبریز رودخانه‌ی لعل‌وار در دوره‌ی اشکانی به چه صورت بوده است؟ ۲- شاخصه‌های تأثیرگذار بر الگو و تحولات استقراری در دوره‌ی اشکانی حوضه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار شامل چه عواملی بوده و این عوامل در طی دوره‌ی اشکانی چه تأثیری بر تغییر الگوهای استقراری گذاشته است؟ بر همین اساس فرضیات عبارتند از: ۱- الگوی استقراری حوضه‌ی آبریز رودخانه‌ی لعل‌وار در دوره‌ی اشکانی به صورت طولی و در حاشیه‌ی رودخانه‌ها و آبراهه‌ها شکل گرفته است. ۲- الگوهای استقراری نشان‌دهنده‌ی تأثیر بسیار شدید محیط زیست با شکل‌گیری استقرارهای این دوره است و مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری استقرارها منابع آب و دسترسی آسان به منابع طبیعی و زیست‌محیطی بوده است. دو رودخانه‌ی لعل‌وار و خورهه، اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار در تحولات استقرارهای دوره‌ی اشکانی است؛ به نحوی که بیشترین محوطه‌های باستانی این دوره در حاشیه و یا در فواصل نزدیکی از بستر این رودخانه‌ها شکل گرفته‌اند.

**روش پژوهش:** در پژوهش حاضر سعی بر این است با استفاده از داده‌های حاصل از بررسی باستان‌شناسی فراگیر و روش تحلیل سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، داده‌های جمع‌آوری شده در قالب الگوهای استقراری و شاخصه‌های تأثیرگذار و هم‌چنین روند تغییرات استقراری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.



► نقشه ۱. موقعیت محدوده‌ی مورد مطالعه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

### موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های زیست‌محیطی منطقه‌ی مورد مطالعه

رودخانه‌ی لعل‌وار، یکی از مهم‌ترین شاخه‌های قره‌چای بوده و در بخش جنوبی حوضه‌ی آبریز مرکزی قرار دارد؛ آب‌های منطقه‌ی وسیعی از نواحی مرکزی کشور و استان‌های مرکزی و اصفهان را جمع‌آوری و به رودخانه‌ی قره‌چای و سپس دریاچه‌ی نمک می‌رساند. شاخه‌های اولیه و سرچشمه این رودخانه از دامنه‌ی کوه‌های بلند ۳۹۰۶ متری هشتاد واقع در شهرستان الیگودرز و زاگرس مرکزی واقع شده است (افشین، ۱۳۷۳: ۴۷۴). رودخانه‌ی لعل‌وار از به هم پیوستن دو رودخانه‌ی خرقاب و خمین قبل از وارد شدن به حوضه‌ی قم تشکیل می‌شود. این رودخانه تا زمانی که وارد خمین می‌شود به «رودخانه‌ی گلپایگان» معروف است در شرق خمین در حوالی چهل‌رز و در منطقه مرزی بین شهرستان محلات و خمین وارد این حوضه شده و رودهای خورده، بزجان، سفیددره، سیاه‌دره، دربندشور و ازنا را در این منطقه دریافت نموده و با مسیری به طرف شمال شرق از سمت مغرب دلیجان به طرف قم می‌رود و بعد از عبور از شهر قم، رود دیگری به نام «قره‌سو» به آن می‌پیوندد و قبل از ورود به دریاچه‌ی حوض سلطان «رودخانه‌ی قمرو» نامیده می‌شود (تصویر ۱)، (افضلی، ۱۳۸۷: ۲۲). میزان آب رودخانه‌ی لعل‌وار در طول سال متغیر و گاهی طغیانی است. سال‌های مرطوب و پرباران تمام دره مملو از آب می‌گردد. در مواقع طغیانی خساراتی به آبادی‌های مسیر وارد می‌سازد (تصویر ۲)، (بدیعی، ۱۳۶۱: ۱۶۹). از دیگر منابعی که نقش به‌سزایی در تأمین آب منطقه مورد پژوهش دارند می‌توان چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق، چشمه‌ها و قنات‌ها را برشمرد. شمار این چشمه‌های فصلی در مناطق کوهستانی شهرستان محلات بسیار زیاد است. ظهور آب این چشمه‌ها عمدتاً



تصویر ۱. منظره‌ی هوایی منطقه‌ی لعل‌وار (نگارندگان، ۱۳۹۸).

به ماه‌هایی از فصل بهار و اوایل تابستان محدود می‌شوند. اما تعدادی چشمه‌های دائمی نیز در این منطقه وجود دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به چشمه شفا، سرچشمه و آب‌گرم محلات اشاره نمود (زنده‌دل، ۱۳۷۹: ۴۳).

مهم‌ترین شاخصه‌ی طبیعی این منطقه کوه‌های مرتفع و دشت‌های میان‌کوهی و دره‌های گسترده و حاصلخیز است. این منطقه در دامنه شرقی کوه‌های زاگرس واقع شده است که در غرب آن، کوه‌های نسبتاً بلندی قرار دارد. در مجموع، نواحی جنوبی و شمال شرقی به صورت دشت و نواحی مرکزی و غربی به صورت کوهستانی می‌باشد. ارتفاع متوسط این منطقه از سطح دریا ۱۶۰۰ متر است. کوه سوراخ‌گاو در غرب روستای خورهه واقع شده و در جنوب کوه سوراخ‌گاو، رشته‌کوهی دیوار مانند قرار دارد که به نام «کوه خورزین» معروف است. از بین این دو کوه، رودخانه‌ی خورهه عبور می‌کند. رشته‌کوه خورزین همانند دیواری، روستای خورهه در شمال و روستای نینه در جنوب را از یکدیگر جدا می‌کند. کوه‌های خورزین، سوراخ‌گاو، هفتادقله و برآفتاب در شمال و کوه‌های هروا، یخچال، دره فراخ و فیروزکوه در جنوب به صورت دایره واقع‌اند که فاقد جریان آب دائمی هستند (موحدی، ۱۳۷۵: ۱۴).

به علت کمبود میزان بارندگی در این منطقه پوشش جنگلی وجود ندارد و پوشش گیاهی صرفاً شامل بوته‌های بیابانی می‌شود و به ندرت درخچه‌های گز، و گاه درختانی مانند انجیر کوهی نیز مشاهده می‌شود. مهم‌ترین گیاهان مرتعی و کوهستانی این منطقه عبارتند از: درمنه، ورک، شوریاقلیاب، گون، انواع گندمیان، و گیاهان دیگری از تیره‌های زنبق، گل‌گاوزبان، ترشک، تره‌ی وحشی، اسپند، خاکشیر، تیغاله و... (لعل‌بار و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۹).



▲ تصویر ۲. رودخانه‌ی لعل‌وار (علایی‌مقدم و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸).

عمده‌ی پوشش جانوری در منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی هفتادقله قرار دارد که بین استان مرکزی و موزه اصفهان واقع شده است که یکی از مهم‌ترین مراکز و زیستگاه‌های

حیات وحش است و یکی از زیستگاه‌های گل، بز، قوچ، میش و آهو می‌باشد. شکارگاه‌های این منطقه همواره مورد توجه حاکمان، سلاطین خوانین و علاقه‌مندان به شکار و صید بوده است (رحیم‌پور، ۱۳۸۴: ۱۲۱-۱۲۵). از دیگر حیوانات این منطقه می‌توان به: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کفتار، سمور، گراز، کبک، تیهو، انواع مار، و ماهی نیز اشاره نمود (سعیدیان، ۱۳۸۸: ۲۴۷۱).

### پیشینه‌ی مطالعات باستان‌شناسی حوضه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار

عمده فعالیت‌های باستان‌شناختی که در منطقه‌ی مورد مطالعه انجام شده شامل ۷ فصل کاوش و ۳ فصل بررسی باستان‌شناختی است. نخستین کاوش غیرعلمی در خورهه با هدف یافتن آثار قدیمی در سال ۱۸۵۹ م. برابر با ۱۲۳۸ ه.ش. به دستور ناصرالدین‌شاه قاجار انجام گرفت که نوشته‌ای از آن موجود نیست و صرفاً دو عکس با نوشته‌ای کوتاه یادآور این حفاری است؛ هرچند به دلیل کشف نشدن آثار قابل توجه، حفاری شاهانه متوقف شد (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۱۱۱)، خاطره‌ی این کار در سال ۱۲۷۰ ه.ش. یعنی ۳۲ سال بعد، شاه قاجار را به تجدید حفاری‌ها تحریک کرد. در این حفاری «فوریه» و «اعتمادالسلطنه» شاه را همراهی می‌کردند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۹۲۲).

اولین کاوش باستان‌شناختی علمی در سال ۱۳۳۵ ه.ش. در خورهه به سرپرستی «علی حاکمی» و تحت نظر «آندره گدار» صورت گرفت (Hakemi, 1990: 11-44). دومین کاوش علمی در محلات، ادامه‌ی کاوش در محوطه‌ی خورهه به سرپرستی «مهدی رهبر» در سال ۱۳۵۵ ه.ش. است که این کاوش در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۹ و نیز ۱۳۸۲ ادامه پیدا کرد (رهبر، ۱۳۸۲)؛ در ضمن در سال ۱۳۷۹ ه.ش. مهدی رهبر اولین فصل کاوش در آتشکده‌ی آتشکوه در شهر نیمور محلات را برعهده داشت (رهبر، ۱۳۷۹).

از دیگر فعالیت‌های صورت‌گرفته در این منطقه، گمانه‌زنی جهت لایه‌نگاری در محوطه‌ی غار بکه‌چاه در سال ۱۳۸۵ ه.ش. توسط «محسن جاوری» است؛ هرچند این فعالیت بیشتر در قالب طرحی زمین‌شناسی صورت گرفت، اما براساس لایه‌نگاری آن، ۱۱ لایه‌ی استقراری از دوران مفرغ تا اسلامی شناسایی شد (جاوری، ۱۳۹۰: ۷۲-۷۴) در پاییز ۱۳۹۳ ه.ش. طرح گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و حریم محوطه‌ی بزرگ جم (چم) که توسط نگارندگان صورت‌پذیرفت (بنی‌جمالی و علایی‌مقدم: ۱۳۹۳). اولین عملیات بررسی و شناسایی شهرستان محلات به‌عنوان بخش اصلی از حوضه‌ی لعل‌وار در سال ۱۳۷۴ ه.ش. توسط خسرو پوربخشنده انجام شد که در این بررسی بیش از ۶۰ اثر شناسایی شد (پوربخشنده، ۱۳۷۴). دومین طرح بررسی باستان‌شناختی در این منطقه در سال ۱۳۸۷ ه.ش. انجام شد که در طی این بررسی تمام آثار باستانی شناسایی شد (علایی‌مقدم و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸). در حین عملیات کاوش در محوطه‌ی تپه جم، مابقی محدوده‌ی حوضه‌ی لعل‌وار و برخی از نقاطی که پیش‌تر شناسایی شده بود، مجدداً مورد بررسی قرار گرفت که داده‌های به‌دست آمده منجر به تکمیل شدن بررسی سال ۱۳۸۷ شد.

### اهمیت منطقه‌ی مورد مطالعه در منابع و متون

جغرافی دانان قدیم، سرزمین ماد را به دو ناحیه تقسیم می‌کنند: «ماد بزرگ» را که شامل همدان، ری و اصفهان می‌دانستند، و «ماد کوچک» که همان آذربایجان و قسمتی از کردستان است. منطقه‌ی مورد مطالعه (خمین، محلات و دلیجان) با توجه به متون صدر اسلام در دوران تاریخی جزو منطقه‌ی اصفهان بوده است؛ چنان‌چه «حسن قمی» در تألیف خود به نقل از کتاب «حمزه اصفهانی» این چنین آورده است: «رستاق‌های چهارگانه اصفهانی رستاق کمیدان، رستاق اناربار، رستاق وره، رستاق ساوه...» (قمی، ۱۳۶۱: ۵۷). این منطقه در دوره‌ی اشکانیان جزوی از ایالت والی‌نشین ماد بزرگ محسوب می‌شده است؛ و درباره‌ی فتح این منطقه در دوره‌ی اشکانی این چنین آمده است که «مهرداد اول» در سال ۱۴۸ ق.م. منطقه‌ی ماد را که در فرمان تیمارخوس بود متصرف شد و به قلمرو پارت افزود و «باکازیس» نامی را به حکومت آنجا برگماشت (ولسکی، ۱۳۸۳: ۹۴). در منابع دوره‌ی اشکانی اطلاعات بسیار محدودی درباره‌ی این منطقه وجود دارد و بیشتر اطلاعاتی که موجود است بیشتر براساس منابع تاریخی مربوط به صدر اسلام می‌باشد؛ چنان‌چه در کتاب تاریخ قم درباره‌ی این منطقه این چنین آمده است: «خورهد این دیه با میل آن اسکندر بنا نهاده است و بدین دیه چهار ستونی است از سنگ مدور و متساوی که در آن هیچ نتوی و فرجه و نقصانی و زیادتی نیست گوئیا آن ستون‌ها قبه بوده است از سنگ و ایوم بیفتاده است و بدین دیه حوض‌های طولانی بوده‌اند...» (قمی، ۱۳۶۱: ۶۹)؛ و در جایی دیگر این چنین می‌نویسد: «خوره‌باد خورین ارونند آن را بنا کرده است... این دیه موضعی است که آن را "سلم‌ور" گویند بر کوهی بلند و گویند که آن دژی بوده است اسکندر آن را خراب کرده است و برابر این کوه چشمه هست و آب آن گرم است...» (همان: ۶۷). البته درباره‌ی خورهه، «گیرشمن» بیان می‌کند که سلوکیان شهرهای بسیاری را بنا نهادند که یکی از این شهرها، شهری در کرهه نزدیک اراک بنا گردیده است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۶۲). همان‌طور که ذکر شد اکثر محققان بنای خورهه را بنایی مربوط به دوره‌ی سلوکی می‌دانند (گذار، ۱۳۷۷: ۲۰۵-۲۰۶؛ واندنبرگ، ۱۳۴۵: ۱۲۴؛ پرادا، ۱۳۸۶: ۲۵۷)؛ اما طی ۵ فصل کاوش‌هایی که توسط مهدی رهبر در خورهه انجام شده، وی تاریخی بین قرن اول قبل از میلاد تا قرن اول میلادی را برای بنای خورهه پیشنهاد می‌کند که تا آخر دوره‌ی اشکانی به حیات خود ادامه داده است (رهبر، ۱۳۸۲: ۱۳۳).

### بررسی باستان‌شناختی و محوطه‌های شناسایی شده

بررسی باستان‌شناختی حوضه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار با هدف شناسایی و ثبت محوطه‌های باستانی و آثار تاریخی و هم‌چنین مطالعه‌ی الگوهای استقرار منطقه‌ی مورد مطالعه انجام پذیرفت؛ برای بررسی، سطح این منطقه به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم شد و هر یک از این بخش‌ها به صورت مجزا مورد پیمایش و بررسی قرار گرفت. ملاک تقسیم‌بندی به بخش‌های کوچک‌تر براساس نقشه‌های ۱/۲۵۰۰۰ منطقه‌ی مورد مطالعه بود که توسط «سازمان جغرافیایی ارتش» تنظیم شده است و در آن، این منطقه به حوزه‌های مشخص و منظم تقسیم شده است. بررسی هر حوزه به صورت

پیمایشی براساس تقسیم‌بندی‌های ماهواره‌ای و خطوط فرضی همسان‌سازی شده با دستگاه GPS صورت گرفت. استفاده از اطلاعات مردمی در شناسایی محوطه‌های باستانی و جمع‌آوری اطلاعات آن‌ها برای استفاده‌ی احتمالی در شناسایی هویت، وجه‌تسمیه‌ی محوطه‌ها کمک شایانی کرد (برای این منظور قبل از بررسی هر منطقه، به مرکز آبادی‌ها رفته و اقدام به جمع‌آوری اطلاعات ساکنین کرده و حتی از حضور راهنمایان محلی استفاده شد). در هنگام شناسایی هر نوع اثر فرهنگی ابتدا مختصات جغرافیایی و ارتفاع آن‌ها از سطح دریا به وسیله‌ی دستگاه GPS اندازه‌گیری می‌شد. پس از ثبت مشخصات ظاهری، کروکی آثار، پلان بناها و عکس از زوایای مختلف به طور جداگانه تهیه شد. حاصل این بررسی‌های میدانی شناسایی ۱۸۵ محوطه‌ی باستانی بود که هر یک دارای یک یا چند دوره استقرار هستند (جدول ۱). با تکیه بر تاریخ‌گذاری نسبی براساس مقایسه‌ی گونه‌شناختی سفال، شواهد استقراری از دوران مس‌وسنگ تا عصر حاضر قابل مشاهده است. استقرارهای مربوط به دوران مس‌وسنگ و مفرغ بسیار محدود و تنها شامل ۱۰ محوطه است. پس از این دوره، نوعی فترت در هزاره‌ی دوم قابل مشاهده است و در نهایت شواهد عصر آهن تنها در یک محوطه دیده می‌شود. از دوران ماد و هخامنشی در این منطقه شواهدی یافت نگردیده است و در نهایت دوره‌ی اشکانی و ساسانی با شناسایی بیش از ۴۴ محوطه (۴۴ محوطه‌ی اشکانی و ۳۷ محوطه‌ی ساسانی) حاکی از تراکم جمعیت در منطقه است (جدول ۲). احتمالاً عدم وجود شواهدی از دوران ماد و هخامنشی بیش از هر چیز ریشه در ناکافی بودن شناخت مواد فرهنگی این دوره و هم‌چنین استفاده‌ی مجدد از این محوطه در دوره‌های بعدی و مخفی ماندن شواهد ماد و هخامنشی دارد. لازم به‌ذکر است در این منطقه چندین غار و پناهگاه صخره‌ای نیز وجود دارد که احتمال وجود شواهدی از دوران کهن‌تر را دور از ذهن نمی‌نماید.

► جدول ۱. دوره‌های استقرار محوطه‌های شناسایی شده در بررسی حوضه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ردیف	دوره‌ی استقرار	تعداد مکان‌های دارای شواهد دوره‌ی مورد نظر
۱	قبل از مفرغ	۶
۲	مفرغ	۵
۳	عصر آهن	۱
۴	هخامنشی	۰
۵	سلوکی	۶
۶	اشکانی	۴۴
۷	ساسانی	۳۷
۸	اسلامی	۱۳۱

جدول ۲. مشخصات کلی محوطه‌های اشکانی حوضه رودخانه‌ی لعل‌وار (علایی‌مقدم و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸).

کد محوطه	نام محوطه	وسعت (م.م)	دوره‌ی استقرار	کد محوطه	نام محوطه	وسعت (م.م)	دوره‌ی استقرار
L1	محوطه‌ی قبرکولی	۸۰۰۰	اشکانی، ساسانی	L23	محوطه قلاور	-	اشکانی، ساسانی
L2	محوطه‌ی گاواباد ۲	۱۶۰۰۰	اشکانی	L24	قلعه میان دو قله	۶۲۵	سلوکی، اشکانی، ساسانی
L3	تپه‌ی قلعه کهنه	۲۸۰۰۰	اشکانی، ساسانی، اسلامی	L25	برج جمیل	۲۵	اشکانی، ساسانی
L4	حمام قدیم الگان و زیارت زرده کمر	۴۰۰۰	اشکانی، اسلامی	L26	برج سرکمر	-	اشکانی، ساسانی، اسلامی
L5	تپه مزرعه فریجان	۷۳۷۰	اشکانی، ساسانی	L27	قلعه مخروبه	۵۰۴۰۰	اشکانی، ساسانی، اسلامی
L6	قلعه گبری	۱۱۴۷۵	اشکانی، ساسانی، اسلامی	L28	قلعه جان آباد	۴۲۰۰	اشکانی، ساسانی، اسلامی
L7	محوطه‌ی حاشیه جاده حاجی‌آباد	۱۹۳۶۰	اشکانی	L29	تپه محلات ۱	۶۴۰۰	اشکانی، ساسانی، اسلامی
L8	محوطه‌ی روستای حاجی‌آباد	۲۴۰۰	سلوکی، اشکانی	L30	تپه جم	۳۰۰۰۰۰	هزاره‌ی ۵، اشکانی، ساسانی
L9	معبد خورمه	۲۰۰۰۰۰	اشکانی، ساسانی	L31	تپه موهور سیاه	۱۱۳۳۵۰	اشکانی، ساسانی، اسلامی
L10	تپه شهریار	۱۰۲۶۰۰	هزاره‌ی ۲ ق.م.، اشکانی، ساسانی	L32	قلعه هم رز	۲۵۷۵۰۰	اشکانی، ساسانی، اسلامی
L11	تپه کوپولو رضا	۱۲۱۰۰	اشکانی، ساسانی، اسلامی	L33	قبرستان قدیم جمال آباد	۱۰۰۰۰	اشکانی، ساسانی
L12	تپه موهور حوض سلطان	۱۳۰۰۰	اشکانی، ساسانی	L34	گل چشمه کهنه(پایین)	۱۵۰۰۰	اشکانی، اسلامی
L13	تپه دیده‌گاه	۲۶۱۰	اشکانی، ساسانی، اسلامی	L35	ماهور خرابه	۱۷۵۰۰	اشکانی، ساسانی
L14	تپه شمال امامزاده زکریا	۹۰۰۰	اشکانی، ساسانی، اسلامی	L36	محوطه در ۵۰ متری قبرستان چاه فرخ	۸۵۰۰	اشکانی، ساسانی
L15	قلعه	۱۰۴۰۰	اشکانی، ساسانی، اسلامی	L37	محوطه چاه فرخ	۳۳۰۰۰	اشکانی، ساسانی، اسلامی
L16	مجموعه غارهای شاه‌بلبل	-	اشکانی، ساسانی، اسلامی	L38	تپه شمالی ۲	۲۶۰۰	اشکانی
L17	قبرستان شاه‌بلبل	۲۲۱۰۰	اشکانی، ساسانی، اسلامی	L39	تپه خوگان ۱	۲۴۳۰۰	اشکانی
L18	تپه امامزادگان معصوم ۱	۲۶۰۰۰	اشکانی، ساسانی، اسلامی	L40	محوطه ۲ شمال شرقی بزيجان	۹۰۰۰	سلوکی، اشکانی
L19	تپه امامزادگان معصوم ۲	۱۹۵۰۰	اشکانی	L41	تپه شمال روستای سعادت آباد	۱۲۰۰۰	اشکانی
L20	تپه قلعه گبری	۵۴۰۰۰	هزاره ۵ ق.م.، اشکانی	L42	محوطه ۲ شمال شرقی بزيجان	۹۰۰۰	سلوکی، اشکانی
L21	تپه محمدآباد ۲	۱۲۵۰	هزاره ۵ و ۳ ق.م.، اشکانی	L43	قلعه خدرسی	۲۰۰۰۰	اشکانی، ساسانی
L22	تپه محمدآباد	۱۳۰۰	اشکانی، ساسانی	L44	قلعه شاهنشین	-	اشکانی، ساسانی، اسلامی

### سفال‌های اشکانی محوطه‌های رودخانه‌ی لعل‌وار

در بررسی باستان‌شناسی حوضه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار تعداد ۴۴ محوطه شناسایی شده که مربوط به دوره‌ی اشکانی هستند. گاهنگاری محوطه‌های مذکور براساس گونه‌شناختی و مقایسه‌ی تطبیقی سفال‌های جمع‌آوری شده از محوطه‌های شناسایی شده با محوطه‌های اشکانی هم‌چون قلعه‌یزدگرد (Keall & Keall, 1981)، بیستون (Kleiss, 1970)، لائودیسسه نهاوند (رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰)، ماه‌نشان زنجان (خسرورزاده و عالی، ۱۳۸۳)، تپه کلار کلاردشت (موسوی‌کوهپیر و امیرعضدی، ۱۳۸۹)،



تی‌هله خرم‌آباد (خسروی، ۱۳۸۵)، کهپور لنگرچینی (خسروزاده و همکاران، ۱۳۸۵)، قروه‌ی کردستان (مافی و همکاران، ۱۳۸۸)، قومس (Hansman & Stronach, 1974)، گورستان سنگ‌شیر همدان (افشاری و نقشینه، ۱۳۹۳) و محوطه‌های محدوده‌ی زاگرس مرکزی (محمدی‌فر، ۱۳۸۴) هستند (جدول ۳ و ۴).

سفال‌های اشکانی این منطقه به سه گروه معمولی، کلینکی و منقوش، تقسیم می‌شوند. سفال‌های معمولی از رایج‌ترین سفال‌های این منطقه است خمیره و پوشش گلی سفال‌های این گروه به رنگ‌های نخودی، قرمز، قرمز آجری، نخودی مایل به سبز، نارنجی و قهوه‌ای می‌باشد. تقریباً همه‌ی سفال‌ها از خمیره‌ی شن و ماسه استفاده کردند خرده‌های شن و ماسه به وضوح در سطح و مقطع برخی از سفال‌های این دوره قابل رؤیت است. نکته قابل ذکر این است که در خمیره‌ی برخی از سفال‌ها قطعات گچ و آهک قابل مشاهده است. سفال‌های معمولی از نظر فرم متنوع هستند و می‌توان این قطعات را به ۵ گروه (کاسه، تگار، کوزه، خمره و بشقاب) طبقه‌بندی کرد. گونه‌ی دیگر سفال اشکانی در این منطقه، سفال جلینگی (کلینگی) است؛ این سفال‌ها دارای خمیره‌ی ظریف هستند و تقریباً همیشه در حرارت مناسب پخته شدند به همین دلیل کاملاً سخت و محکم به نظر می‌رسند. مغز آن‌ها خاکستری است و رنگ پوشش داخلی و خارجی گاهی نارنجی و گاهی قرمز است و در مواردی در این منطقه به جای رنگ نارنجی یا قرمز، رنگ خاکستری نیز دیده شده است. این گونه سفال‌ها از نظر فرم به دو گروه کلی کاسه و کوزه تقسیم می‌شوند.

سفال منقوش، یکی از گونه‌های سفال اشکانی این منطقه است که فقط چند قطعه از سطح محوطه‌های این منطقه جمع‌آوری شده است. خمیره‌ی این سفال‌ها به رنگ‌های آجری و قرمز هستند که از استحکام و فشردگی خوبی نیز برخوردار است و پوشش گلی آن‌ها نیز به رنگ‌های آجری، نخودی و قرمز می‌باشد. تمامی این قطعات با استفاده از نقوش هندسی شامل نوارهای افقی، موازی و مورب به رنگ قرمز و قهوه‌ای تزئین شده‌اند.

شیوه‌های تزئینی سفال‌های دوره‌ی اشکانی این منطقه شامل نقش‌کنده، افزوده، قال‌بزده، داغدار و منقوش است و نقش‌مایه‌ی این تزئینات به صورت اشکال هندسی هستند (تصاویر ۳ و ۴).

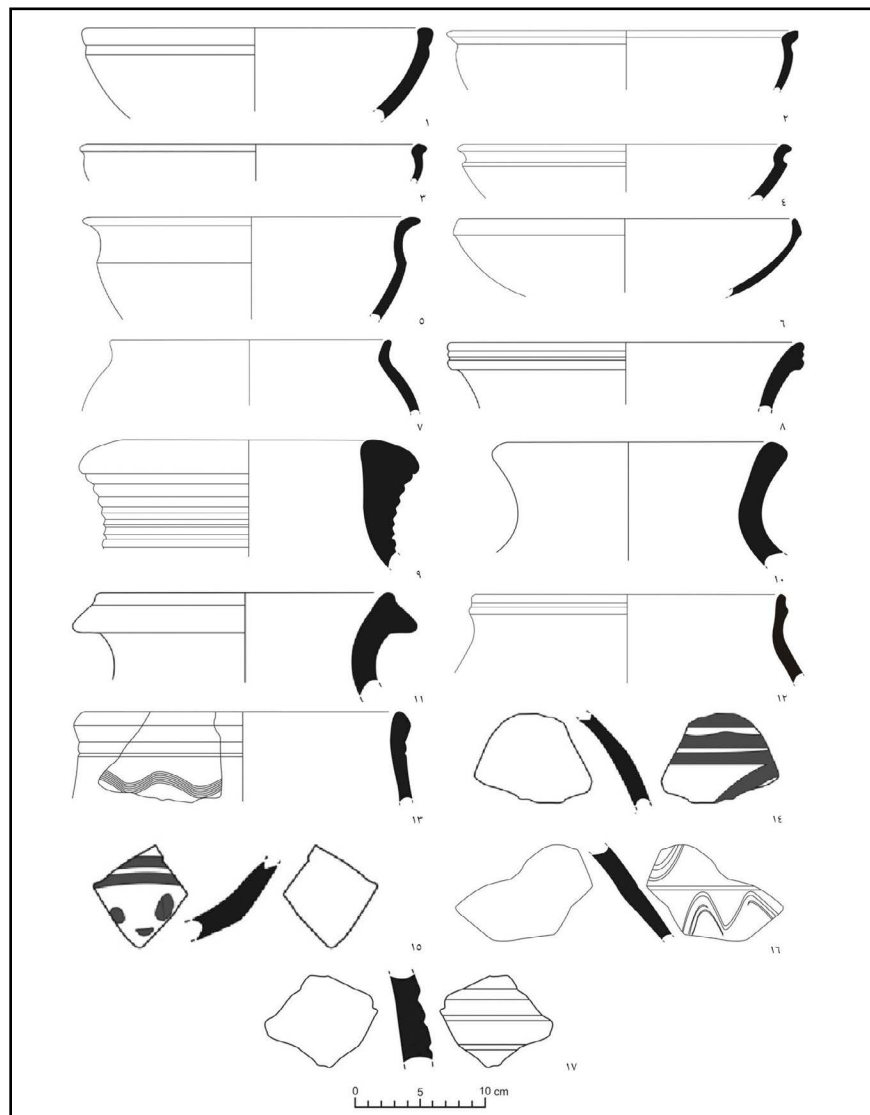
### دسته‌بندی محوطه‌های اشکانی با توجه به وسعت

همان‌طور که ذکر شد در مجموع ۴۴ محوطه‌ی باستانی از دوره‌ی اشکانی در این منطقه شناسایی شد که از نظر وضعیت ظاهری شامل تپه‌ها (مانند: تپه قلعه‌گبری، تپه محمدآباد)، محوطه‌های گسترده (مانند محوطه‌ی شهریار و محوطه‌ی جم) و بناها (مانند خوره و قلعه عقاب) می‌شود (نقشه ۲). از نقطه نظر وسعت این محوطه‌ها به ۱۰ دسته‌ی کلی مندرج در جدول ۵ (نمودار ۱) تقسیم می‌شوند.

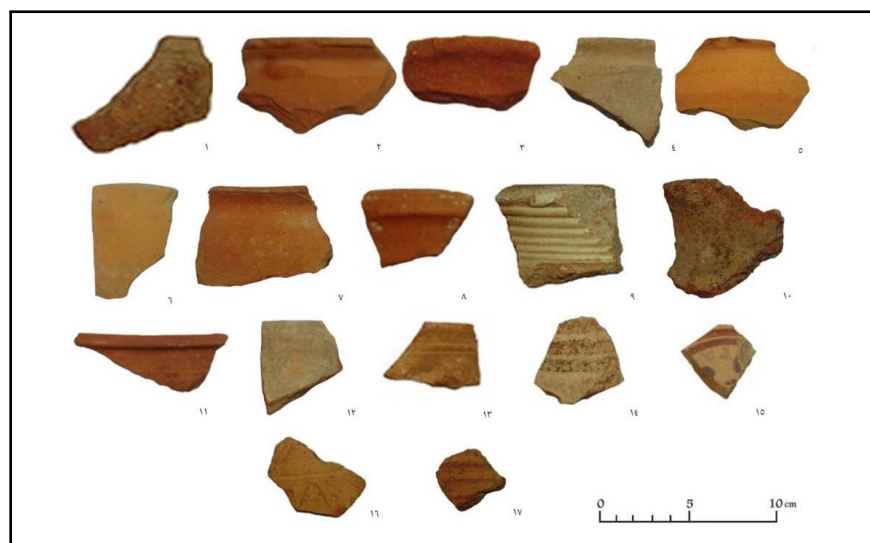
همان‌طور که در جدول ۲ و نمودار ۱ مشخص است تعداد سه محوطه دارای وسعت بالای ۲۰ هکتار هستند که شامل محوطه‌ی جم (با وسعت اولیه‌ی بیش از ۱۰۰ هکتار)، محوطه‌ی قلعه‌ی هم‌رز (۲۲ هکتار وسعت بخش تاریخی) در حاشیه‌ی شاخه‌ی اصلی

جدول ۳. مقایسه‌ی گونه‌شناختی و ویژگی‌های فنی سفال‌های اشکانی محوطه‌های حوضه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار (علایی‌مقدم و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸).

ردیف	کاتالوگ سفال (وضعیت ظاهری، ویژگی‌های فنی و تکنیکی)	محوطه‌ی مقایسه‌ی شده	منبع مورد مقایسه
۱	آجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی آجری بر هر دو سطح	قلعه یزدگرد بیستون میاناب شوستر	Keall&Keall, 1981: F. 19, No. 17/41 Kleiss, 1970: Abb. 25, No. 1 مقدم، ۱۳۸۵: شکل ۲۸، طرح ۳
۲	قرمزآجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی قرمزآجری بر هر دو سطح	شیمان ماه‌نشان زنجان قلعه ضحاک لاتودیسه‌ی نهاوند	هرینگ، ۱۳۷۶: شکل ۲۴، طرح ۹ خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: شکل ۳، طرح ۱ Kleiss, 1973: Abb. 22, No. 26 رهبر و علی بیگی، ۱۳۹۰: شکل ۴، طرح ۱۱
۳	قرمز آجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی قرمز آجری بر هر دو سطح	سلوکیه تپه کلارکاردشت تورنگ تپه کنگاور	Debevoise, 1934, F. 11-19, No. 12 موسوی کوهر و امیرعضدی، ۱۳۸۹: شکل ۲، طرح ۸ هرینگ، ۱۳۷۶: شکل ۲۵، طرح ۳ محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوحه ۱۲، طرح ۱۷
۴	قهوه‌ای، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی قهوه‌ای بر سطح داخلی و نخودی تیره بر سطح خارجی	قلعه سام تپه قلعه کولک سیستان کک کهزاد کوه‌خواجه بیستون	هرینگ، ۱۳۷۶: شکل ۲۶، طرح ۷ علایی‌مقدم، ۱۳۹۳: تصویر ۵-۸، طرح ۵ بنی‌جمالی و علایی‌مقدم، ۱۳۹۰: تصویر ۱، طرح ۳ Kleiss, 1970: Abb. 26, No. 33
۵	خاکستری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی قرمز آجری بر هر دو سطح	قومس قلعه سام	هرینگ، ۱۳۷۶: شکل ۲۹، طرح ۶ هرینگ، ۱۳۷۶: شکل ۳۰، طرح ۶
۶	خاکستری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی نارنجی بر هر دو سطح	بیستون لاتودیسه‌ی نهاوند سنگ شیرهمدان	Kleiss, 1970: Abb. 28, No. 4 رهبر و علی بیگی، ۱۳۹۰: شکل ۴، طرح‌های ۲۱ و ۲۲ افشاری و نقشینیه، ۱۳۹۳: طرح ۸، شکل ۲
۷	قرمز آجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، دارای پوشش قرمزآجری بر هر دو سطح	قومس کهور لنگرچینی	Hansman & Stronach, 1974: F. 4, No. 4 خسروزاده و همکاران، ۱۳۸۵: شکل ۷، طرح ۵
۸	نارنجی، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی قهوه‌ای روشن بر سطح داخلی و پوشش گلی نارنجی بر سطح خارجی	بیستون ماه‌نشان زنجان	Kleiss, 1970: Abb. 26, No. 47 خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: شکل ۸، طرح ۶
۹	آجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی نخودی بر هر دو سطح، دارای تزیین کنده (شیاری) بر سطح خارجی	قلعه یزدگرد بیستون	Keall & Keall, 1981: F. 11, No. 11/31 Kleiss, 1970: Abb. 28, No. 7
۱۰	آجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی نخودی بر هر دو سطح	تی‌هله‌ی خرم‌آباد قروه‌ی کردستان سلوکیه بیستون تویسرکان	خسروی، ۱۳۸۵: شکل ۲، طرح ۴ مافی و همکاران، ۱۳۸۸: لوحه ۱۴، طرح ۱ Debevoise, 1934: F. 100-109, No. 105 Kleiss, 1970: Abb. 26, No. 51 محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوحه ۵، طرح ۱۲
۱۱	قرمز، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی قرمز بر هر دو سطح	ماه‌نشان زنجان تپه کلارکاردشت مسجد سلیمان	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: شکل ۱۱، طرح ۶ موسوی کوهر و امیرعضدی، ۱۳۸۹: شکل ۲، طرح ۴ هرینگ، ۱۳۷۶: شکل ۳، طرح ۱۸
۱۲	آجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی آجری بر هر دو سطح	بیستون	Kleiss, 1970: Abb. 26, No. 50
۱۳	آجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی آجری بر هر دو سطح، دارای تزیین نقش کنده (موجی) بر سطح خارجی	قلعه فشلاق ماه‌نشان ماه‌نشان زنجان قروه‌ی کردستان	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: شکل ۶، طرح ۶ خسروزاده، ۱۳۸۹: شکل ۴، طرح ۴ مافی و همکاران، ۱۳۸۸: لوحه ۵، طرح‌های ۱ و ۳
۱۴	آجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی آجری بر سطح داخلی و نخودی بر سطح خارجی، دارای تزیین نقاشی به رنگ قهوه‌ای بر سطح خارجی	ماه‌نشان زنجان تی‌هله‌ی خرم‌آباد	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: شکل ۱۲، طرح ۲ خسروی، ۱۳۸۵: شکل ۴، طرح ۳
۱۵	آجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی آجری بر سطح داخلی و نخودی بر سطح خارجی، دارای تزیین نقاشی به رنگ قهوه‌ای بر سطح خارجی	ماه‌نشان زنجان تی‌هله‌ی خرم‌آباد	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: شکل ۱۲، طرح ۲ خسروی، ۱۳۸۵: شکل ۴، طرح ۳
۱۶	قرمزآجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی آجری بر هر دو سطح، دارای تزیین نقش کنده (موجی) بر سطح خارجی	بیستون	هرینگ، ۱۳۷۶: شکل ۱۶، طرح ۱۹
۱۷	نارنجی، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، پوشش گلی نارنجی بر هر دو سطح، دارای تزیین نقش کنده (شانه‌ای) بر سطح خارجی	قلعه یزدگرد کهور لنگرچینی تمب‌خرک	Keall, 1981: F. 25, no. 2/34 خسروزاده و همکاران، ۱۳۸۵: شکل ۵، طرح ۷ شهسواری، ۱۳۸۸: لوحه ۴-۱۵، طرح‌های ۱-۱۱



► تصویر ۳. نمونه‌هایی از طرح سفال‌های اشکانی محوطه‌های حوضه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار (علائی‌مقدم و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸).

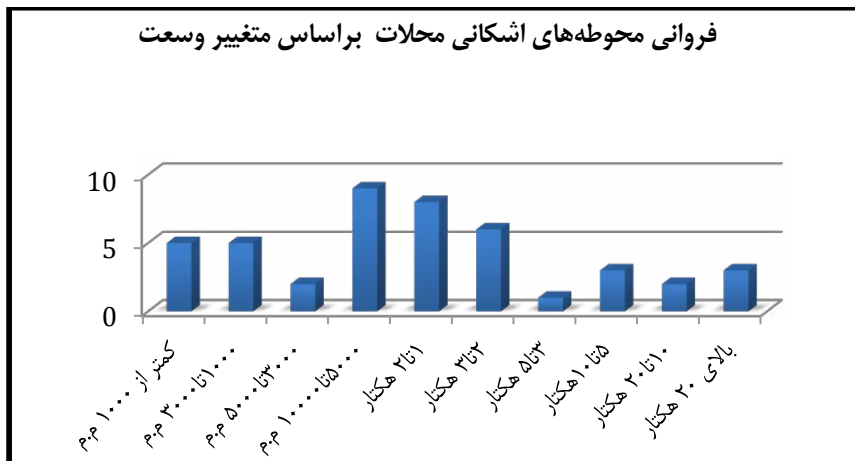
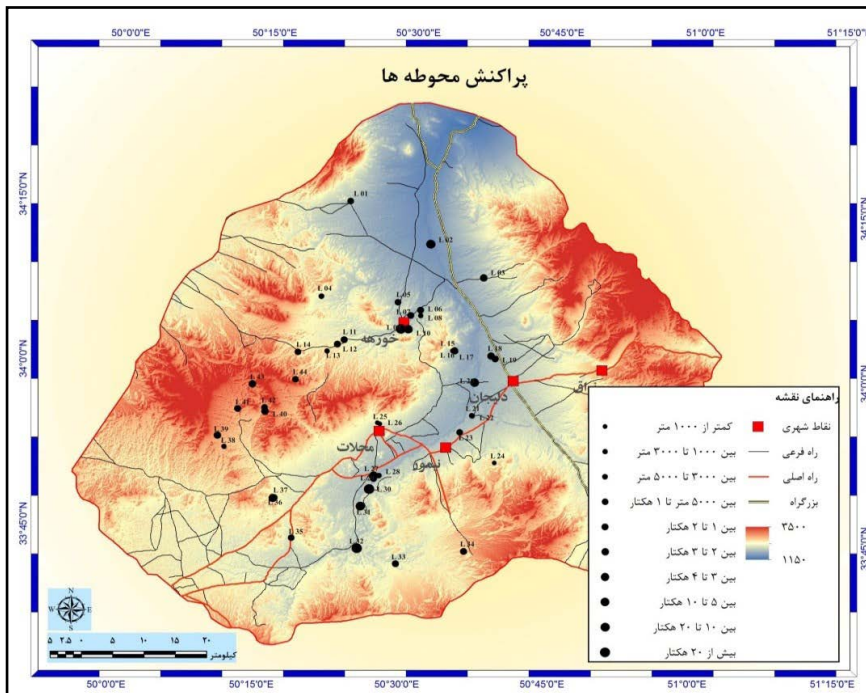


► تصویر ۴. عکس سفال‌های اشکانی محوطه‌های حوضه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار (علائی‌مقدم و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸).

جدول ۵. دسته‌بندی محوطه‌های اشکانی براساس وسعت (نگارندگان، ۱۳۹۸). ▼

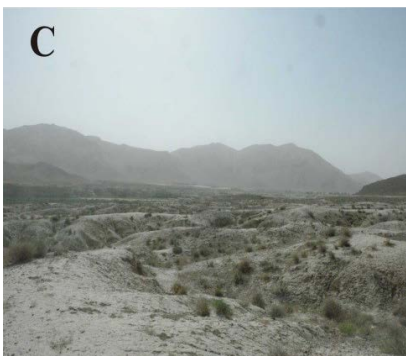
ردیف	محوطه براساس وسعت	تعداد
۱	بالای ۲۰ هکتار	۳
۲	بین ۱۰ تا ۲۰ هکتار	۲
۳	بین ۵ تا ۱۰ هکتار	۳
۴	بین ۳ تا ۵ هکتار	۱
۵	بین ۲ تا ۳ هکتار	۶
۶	بین ۱ تا ۲ هکتار	۸
۷	بین ۰/۵ تا ۱ هکتار	۹
۸	بین ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ مترمربع	۲
۹	بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ مترمربع	۵
۱۰	کمتر از ۱۰۰۰ متر	۵

نقشه ۲. پراکنش محوطه‌ها براساس میزان وسعت (نگارندگان، ۱۳۹۸). ◀



نمودار ۱. توزیع محوطه‌ها از نظر وسعت (متر مربع) در حوضه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار (نگارندگان، ۱۳۹۸). ◀

لعل‌وار و محوطه‌ی خورده (با وسعت تقریبی ۵۰ هکتار) در حاشیه‌ی زیرشاخه‌ی خورده است. علاوه بر آن دو محوطه‌ی موهورسیاها (۱۲ هکتار) و محوطه‌ی گاوآباد (۲۴ هکتار) نیز در حاشیه‌ی رودخانه‌ی اصلی لعل‌وار قرار دارد (تصاویر ۵ و ۶). با توجه به متغییر وسعت می‌توان دو محوطه‌ی جم و خورده را مکان‌های مرکزی بیان نمود که در موقعیت استراتژیک شکل گرفته‌اند. محوطه‌ی جم که امروزه بخش اعظم آن به واسطه‌ی فعالیت ۵۰ ساله‌ی کوره‌های آجرپزی تخریب و آشفته شده است در بخشی از رودخانه‌ی لعل‌وار قرار گرفته است که از یک سو، رودخانه دارای بیشترین عرض بستر است؛ و از سوی دیگر، پیچش در مسیر رودخانه موجب بهره‌برداری راحت‌تر از آب شده است. از سوی دیگر، در دو بخش شرقی و غربی محوطه، دوریابی نسبتاً بزرگ وجود دارد که به لعل‌وار می‌رسد که با تکیه بر آن‌ها امکان آبیاری زمین‌های بیشتری وجود دارد. شرایط استقراری در این بخش از رودخانه‌ی لعل‌وار به اندازه‌ای منحصربه‌فرد



▲ تصویر ۵. نمونه محوطه‌های دوره‌ی اشکانی منطقه‌ی لعل‌وار (تپه جم (تصویر A)، تپه شهریاری (تصویر B)، تپه موهورسیاها (تصویر C)، تپه کوپولورضا (تصویر D)، (علایی مقدم و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸).

است که دو محوطه‌ی بزرگ موهورسیاها و هم‌رز نیز در این قسمت شکل گرفته‌اند. جالب این‌که جز در منتهی‌الیه رودخانه‌ی لعل‌وار در شمال که محوطه‌ی ۱۶ هکتاری گاواباد ۲ قرار دارد، هیچ محوطه‌ی بزرگ دیگری (محوطه با وسعت بیش از ۱۰ هکتار) در حاشیه‌ی شاخه‌ی اصلی این رودخانه به چشم نمی‌خورد. این مهم جز رود خورهه، در مورد رودهای کوچک (ریزآب‌ها) منتهی به لعل‌وار نیز صدق می‌کند، اما رود خورهه وضعیتی متفاوت دارد؛ این رود که بزرگ‌ترین ریزآبه‌ی منتهی به لعل‌وار است، تفاوت آشکاری با دیگر ریزآبه‌های حوزه‌ی مورد بررسی دارد؛ چراکه برعکس دیگر ریزآبه‌ها، در محیطی مجزا از دره‌ی لعل‌وار، در جهت غرب به شرق، جریان یافته و در نهایت در بخش انتهای شمال شرقی، به آن می‌ریزد. این محیط که توسط کوه‌های خورزین از دره‌ی لعل‌وار جدا شده است، در واقع دره‌ای کوچک است که تنها در سه نقطه‌ی آن، یعنی «عیسی‌آباد»، «ور و طایقان» و «خورهه» دارای عرض نسبتاً مطلوب برای ایجاد استقرارگاه است و از این سه نیز در منطقه‌ی خورهه واقع در شرق مسیر رود دارای شرایط بسیار مساعدتر (عرض بیشتر دره، آب فراوان‌تر، زمین مناسب‌تر و...) است. در همین منطقه است که محوطه‌ی معروف «خورهه» شکل گرفته است. این محوطه که امروزه در حدود یک هکتار از وسعت آن کاوش شده و بقایای بنای ستون‌دار (کوشک یا معبد) بیرون آمده (تصویر A ۶)، دارای وسعت مشخصی نیست؛ اما با توجه به وضعیت توپوگرافی و دامنه‌ی پراکندگی مواد فرهنگی، کمترین وسعت قابل تخمین برای آن ۵۰ هکتار است. این محوطه را باید هم‌چون محوطه‌ی جم، یک مکان مرکزی در نظر گرفت که علاوه بر وسعت زیاد، وجود بنایی معظم در آن گویای این مطلب است.

### تقسیم‌بندی محوطه‌های اشکانی براساس شواهد باستان‌شناختی

براساس ساختار ظاهری محوطه‌های اشکانی منطقه‌ی لعل‌وار، می‌توان آن‌ها را به چهار دسته‌ی کلی: محوطه‌های بدون ساختار منظم و شواهد معماری، محوطه‌های دارای وضعیت توپوگرافی منظم و مشخص با شواهدی اندک از ماهیت اصلی محوطه، محوطه‌های دارای ساختار معماری و مکان‌های طبیعی و نیمه‌طبیعی مورد استفاده، تقسیم نمود (جدول ۶، نمودار ۲).

### I- محوطه‌های بدون ساختار منظم و شواهد معماری

طی بررسی صورت گرفته، اکثر محوطه‌های شناسایی شده در این حوزه از نوع محوطه‌های بدون ساختار و شواهد معماری هستند که دارای محیط و وضعیت توپوگرافیک نامنظمی می‌باشند، به‌صورتی که از طریق تصاویر هوایی نیز نمی‌توان محیط منظمی در آن‌ها مشاهده نمود. در این خصوص باید بیان نمود که رشد و گسترش شهر، شهرک‌ها، روستاها و پیشروی زمین‌های زارعی در اکثر مناطق تا درون عرصه‌ی محوطه‌ها پیشروی نموده و همین‌امر موجب برهم خوردن نظم توپوگرافیک محوطه شده است.

## II- محوطه‌های دارای وضعیت توپوگرافی منظم و مشخص با شواهدی اندک از ماهیت اصلی محوطه

به طور کلی، امروزه تنها پنج محوطه در کل این حوزه دارای توپوگرافی منظم است. از این پنج محوطه، چهار محوطه به صورت تپه تقریباً مدور و یک مورد به صورت تپه‌ای با محیط مربع هستند که شباهت فراوانی با قلعه-تپه‌ها در نقاط مناطق همجوار دارند.



## III- محوطه‌های دارای ساختار معماری

از مجموعه‌ی محوطه‌های اشکانی شناسایی شده، شواهد معماری تنها در چهار محوطه: خورهه، قلعه‌مرد، قلعه‌گبری و قلعه‌سنگی دیده می‌شود. بنای خورهه بقایای مجموعه بنایی است که شامل سه بخش ایوان اصلی (ایوان ستوندار)، ساختار شمالی که از سمت جنوب به بنای اصلی متصل شده است این قسمت، اتاق‌ها و راهروهایی را تشکیل می‌دهد که دارای اتاق مربع‌شکل بزرگی است که حیاط خلوت به حساب می‌آید و بخش غربی، که شامل تعدادی اتاق و یک راهرو می‌باشد. ایوان اصلی دارای ۱۲ ستون و چهار نیم‌ستون با پایه‌ی مربع‌شکل در دو ردیف بوده که در حال حاضر فقط دو ستون با ارتفاع حدود ۱۱ متر پابرجا است. بر فراز ستون‌ها، سرستون‌هایی به سبک ایونیک قرار گرفته‌اند که از پهلوی به شکل طومارهای پیچیده شده‌ای هستند که از وسط با روبانی بسته شده‌اند (تصویر A ۶).



قلعه‌گبری، تپه‌ای مدور است که بر فراز آن بقایایی از یک فضای معماری شامل قسمت‌هایی از دو دیوار قطور با ضخامت ۱/۷ متر و حداکثر ۴ متر باقی مانده است. با توجه به زوایای این دیواره‌ها، بنای مورد نظر ساختمانی مربع‌شکل به ضلع ۲۰ متر بوده است که در آن از خشت‌هایی به ابعاد ۱۰×۴۴×۴۴ سانتی‌متر استفاده شده است؛ هر چند مقدار زیادی قلوه‌سنگ در سطح این مکان ریخته که به احتمال زیاد از مصالح به‌کاررفته در بنای مورد بحث بوده‌اند (تصویر C ۶). قلعه‌عقاب نیز بقایایی از یک قلعه (؟) یا محلی برای دیدبانی است که در بالای یکی از کوه‌های جبهه‌ی جنوب شرقی آتشکوه قرار دارد. این مکان به شدت آسیب دیده است. در برخی نقاط رد و نشان پی‌سنگی با ملاط‌آهک به راحتی قابل رؤیت است و حتی در قسمت مرکزی در اثر حفاری غیرمجاز، بقایای اتاقی هویدا شده است (تصویر D ۶). قلعه‌مرد نیز که بقایایی از یک قلعه‌ی تاریخی است که در دوره‌ی اسماعیلیه مجدد بازسازی و مورد استفاده قرار گرفته است. در برخی نقاط این مکان که بر فراز صخره‌ای با ارتفاع ۲۰۰ متر در کوه‌های شمالی دره‌ی لعل‌وار قرار دارد، هنوز رد و نشان دیوارهایی از بنای اولیه که از سنگ و خشت‌های دوران تاریخی ساخته شده، قابل مشاهده است (تصویر B ۶).



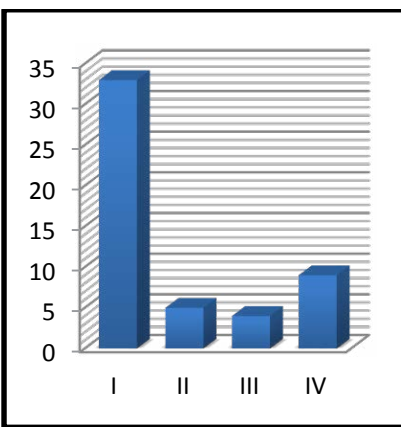
▲ تصویر ۶. محوطه‌های دارای معماری (بنای خورهه (تصویر A)؛ قلعه‌مرد (تصویر B)؛ تپه‌ی قلعه‌گبری (تصویر C)؛ قلعه‌عقاب (تصویر D) (علایی‌مقدم و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸).

## IV- مکان‌های طبیعی و نیمه‌طبیعی مورد استفاده

در منطقه‌ی مورد مطالعه در دو نقطه از عوارض و ساختارهای طبیعی، شواهد

جدول ۶. ساختارشناسی محوطه‌های اشکانی حوضه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار (نگارندگان، ۱۳۹۸). ▼

ردیف	نوع محوطه	تعداد
۱	محوطه‌های بدون ساختار منظم و شواهد معماری	۳۳
۲	محوطه‌های دارای وضعیت توپوگرافی منظم	۵
۳	محوطه‌های دارای ساختار معماری	۴
۴	مکان‌های طبیعی	۲



▲ نمودار ۲. فراوانی ساختارشناسی محوطه‌های اشکانی حوضه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار (نگارندگان، ۱۳۹۸).

جدول ۷. تقسیم‌بندی محوطه‌های شناسایی شده در منطقه‌ی لعل‌وار براساس متغیر ناهمواری (ارتفاع از سطح دریا)، (نگارندگان، ۱۳۹۸). ▼

ردیف	محدوده‌ی ارتفاعی	تعداد محوطه
۱	کمتر از ۱۵۰۰	۴
۲	۱۵۰۰-۱۶۰۰ متر	۱۲
۳	۱۶۰۰-۱۷۰۰ متر	۶
۴	۱۷۰۰-۱۸۰۰ متر	۴
۵	۱۸۰۰-۱۹۰۰ متر	۶
۶	۱۹۰۰-۲۰۰۰ متر	۵
۷	۲۰۰۰-۲۲۰۰ متر	۴
۸	۲۲۰۰-۲۴۰۰ متر	۳
۹	بیش از ۲۴۰۰ متر	-

استقراری از دوره‌ی اشکانی وجود دارد. مورد اول شامل غار سن‌ایک است که در شمال محدوده‌ی مورد پژوهش واقع شده است، و مورد دوم شامل غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای است که در کوه شاه‌بلبل در ارتفاعات محدوده‌ی شمالی دره‌ی لعل‌وار قرار دارد که در درون یا فضای پیرامونی آن‌ها پراکندگی سفال دوره‌ی اشکانی قابل مشاهده است.

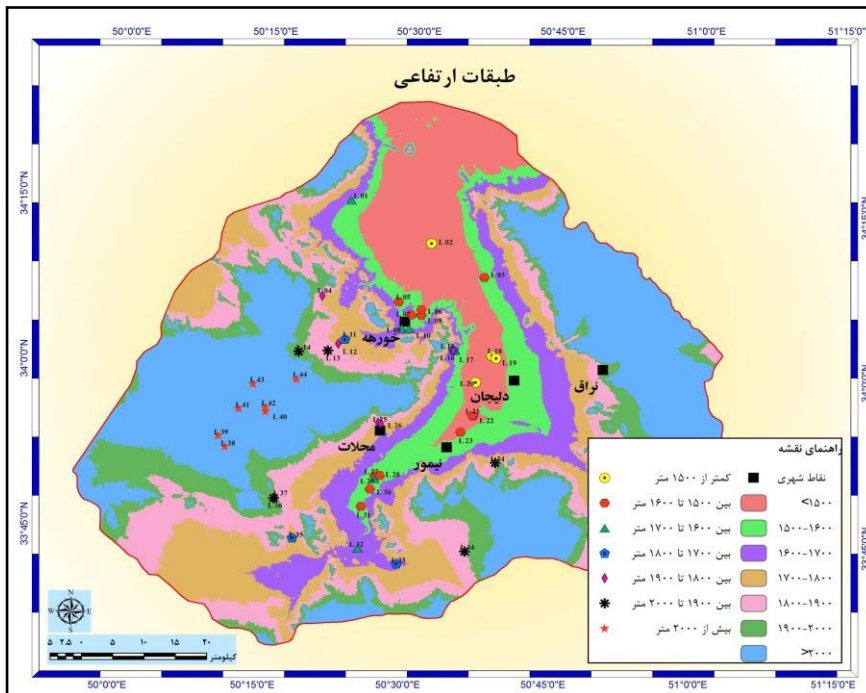
### نقش ارتفاع و ناهمواری در مکان‌گزینی استقرارهای اشکانی

منطقه‌ی لعل‌وار از سه بخش دشت میان‌کوهی (دره‌ی لعل‌وار و خوره‌ه)، کوهپایه‌های شمالی و جنوبی، و ارتفاعات تشکیل شده است که ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد بین ۱۴۰۰ تا ۳۰۰۰ متر می‌باشد. این منطقه دارای شیبی از سمت جنوب‌غربی به سمت شمال‌شرقی است و با توجه به سنجش صورت‌گرفته، ضمن بررسی باستان‌شناختی منطقه - غیر از ارتفاعات و کوهپایه‌ها - جنوب‌غربی‌ترین نقطه‌ی دشت میان‌کوهی لعل‌وار حدود ۱۵۰ متر از بخش انتهایی بلندتر است؛ از سوی دیگر، مناطق کوهپایه‌ای و مراتع نیز دارای شیب نسبتاً تندی تا بستر رودخانه دارند که گاه این شیب به ۴۳ درجه در بخش شمالی می‌رسد.

در کل محوطه‌های اشکانی شناسایی شده در منطقه‌ی لعل‌وار را براساس متغیر ناهمواری (ارتفاع از سطح دریا) می‌توان در هشت گروه مختلف به شرح مندرج در جدول ۷ تقسیم نمود.

با توجه به وضعیت جغرافیایی و محیطی منطقه‌ی مورد مطالعه و پدیده‌های طبیعی موجود، می‌توان گروه‌های ارتفاعی مندرج در جدول ۶ را در سه دسته‌ی کلی تقسیم نمود؛ دسته‌ی اول که می‌توان آن‌را مناطق حاشیه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار و ریزآبه‌ی بزرگ خوره‌ه نامید، شامل مناطقی با ارتفاع بین ۱۴۵۰ تا ۱۷۰۰ متر می‌شود که از نظر تراکم با داشتن ۲۲ محوطه، دارای بیشترین مکان‌های استقرار دوره‌ی اشکانی است. دسته‌ی دوم شامل مناطق کوهپایه‌ای است که در بردارنده‌ی مناطقی حفاصل محدوده‌ی زمین‌های حاشیه‌ی رودخانه و ارتفاعات است و دارای ارتفاعی بین ۱۷۰۰ تا ۱۹۰۰ متر است. در این مناطق که اکثراً شامل مراتع گسترده‌ی شهرستان محلات می‌شود، تنها ۱۰ محوطه‌ی اشکانی وجود دارد که شامل محوطه‌هایی با وسعت کمتر از ۴ هکتار می‌شوند. دسته‌ی سوم شامل ارتفاعات منطقه‌ی لعل‌وار می‌شود که مناطقی با ارتفاع بیش از ۱۹۰۰ متر را دربر می‌گیرد و خود در سه سطح مناطق نسبتاً مرتفع، غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای و کوه‌ها و قله‌ها قابل تقسیم‌بندی است (نقشه ۳).

طی بررسی صورت‌گرفته در منطقه، ۱۰ محوطه مانند قلعه‌مرد و قلعه‌عقاب در مناطق نسبتاً بلند و ۲ غار با شواهد استقرار از دوره‌ی اشکانی شناسایی گردید. همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، ۵۰٪ از محوطه‌های اشکانی منطقه‌ی لعل‌وار، شامل محوطه‌های واقع در حاشیه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار و خوره‌ه هستند که در زمین‌های حاصلخیز با امکان آبیاری زمین به سهولت انجام می‌گیرد، قرار دارند و به نحوی می‌توان آن‌ها را بقایای استقرارهایی متکی بر معیشت کشاورزی دانست.



نقشه ۳. موقعیت محدوده در طبقات ارتفاعی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

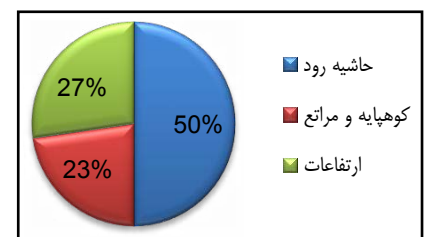
۲۳٪ محوطه‌های اشکانی نیز شامل محوطه‌هایی است که در مناطق کوهپایه‌ای قرار دارند. این محوطه از نقطه نظر محل قرارگیری (قرارگیری در زمین‌های مرتعی با ریزآبه‌های فصلی یا نزدیک به چشمه‌ها)، به احتمال فراوان بیانگر روستاهایی متکی بر زندگی دامپروری و کشاورزی هستند. قابل توجه است که در زمان حاضر نیز روستاهای قرار گرفته در این مناطق براساس همین شیوه‌ی معیشت شکل گرفته‌اند. محوطه‌های موجود در مناطق بلند را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: یا بقایای قلعه‌ها و بناهای نظامی هستند و یا این‌که شواهدی از استقرارهای کوچک و محدودی دارند که تکیه بر شیوه‌های معیشتی دامپروری و شکار داشته‌اند. گفتنی است در مورد غارها نمی‌توان اظهار نظر دقیقی نمود.

### وضعیت منابع آبی در شکل‌گیری محوطه‌های اشکانی

همان‌طور که ذکر شد، منابع آبی در حوضه‌ی لعل‌وار، شامل شاخه‌ی اصلی لعل‌وار، شاخه‌ی فرعی خورهه، آب‌ریزهای بزيجان، سفیددره، سیاه‌دره، دربندشور و ازنا، چشمه‌ها، قنات و چاه‌ها را دربر دارد که دو مورد آخر مربوط به استقرارهای متأخرتر است. با توجه به بررسی باستان‌شناختی صورت گرفته می‌توان بیان نمود که اکثر استقرارهای منطقه‌ی مورد مطالعه در ارتباط مستقیم با رودخانه شکل گرفته‌اند. با توجه به تحلیل داده‌های حاصل از بررسی‌های میدانی و نقشه‌های رقومی حاصل از آن‌ها، می‌توان بیان نمود که ۴۸٪ برابر با ۲۱ محوطه‌ی اشکانی در فاصله‌ی ۵۰۰ متری از رودخانه‌ها (اصلی یا فرعی) قرار دارند. ۱۵٪ برابر با ۷ محوطه نیز در فاصله‌ی ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متری از رودها قرار گرفته‌اند. در مجموع این دو دسته، محوطه‌ها از حیث وسعت، شامل بزرگ‌ترین محوطه‌های اشکانی منطقه می‌شوند

جدول ۸. تقسیم‌بندی محوطه‌ها براساس سطح ارتفاعی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

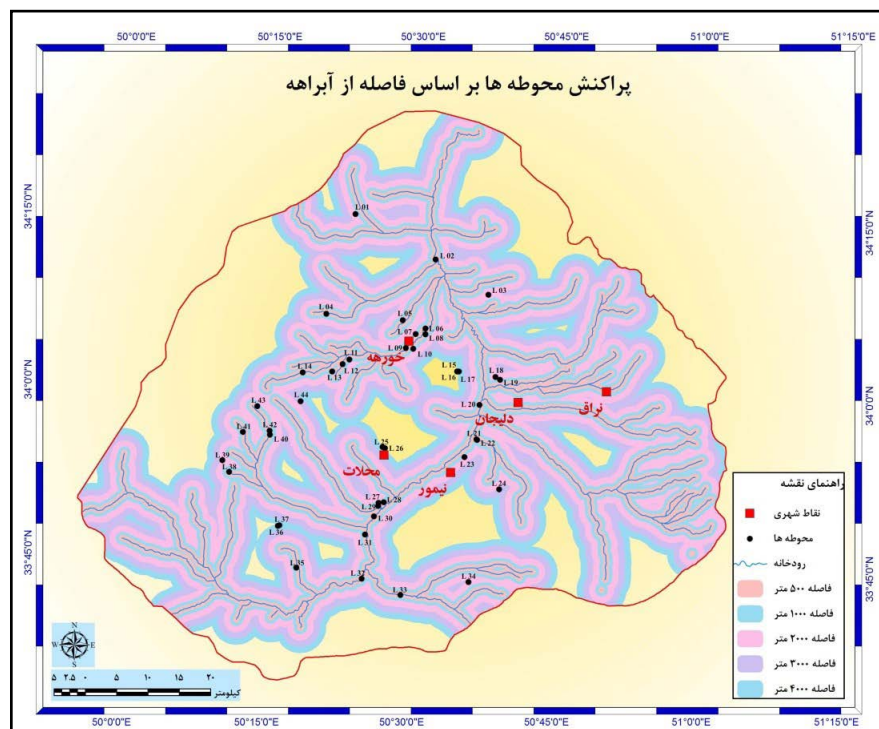
ردیف	مکان محوطه‌ها	تعداد محوطه
۱	حاشیه‌ی رودخانه	
۲	کوهپایه و مراتع	۱۰
۳	ارتفاعات نسبتاً بلند	۱۰
	غارها	۲
	کوه بلند و قله	-



▲ نمودار ۳. فراوانی محوطه‌ها در بخش‌های مختلف جغرافیای منطقه‌ی لعل‌وار (نگارندگان، ۱۳۹۸).



که در حدود ۱۰ مورد آن‌ها مستقیم در حاشیه‌ی لعل‌وار، ۹ محوطه در حاشیه‌ی رود خورده و ۵ محوطه در حاشیه‌ی رود بزیجان قرار دارند. از مابقی محوطه‌ها که شامل ۱۶ محوطه‌ی اشکانی می‌شود تنها ۵ محوطه در فاصله‌ی بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متر از رودخانه یا آبریز لعل‌وار قرار گرفته‌اند و مابقی آن‌ها یا تحت تأثیر چشمه‌های بزرگ منطقه چون: چشمه محلات، چشمه آبگرم و چشمه چاه‌فرخ قرار دارند و یا این‌یکه هم‌چون قلعه عقاب و یا قلعه شاه‌نشین بر بالای کوه ساخته شده و فاقد منبع آب طبیعی هستند (نقشه ۴).



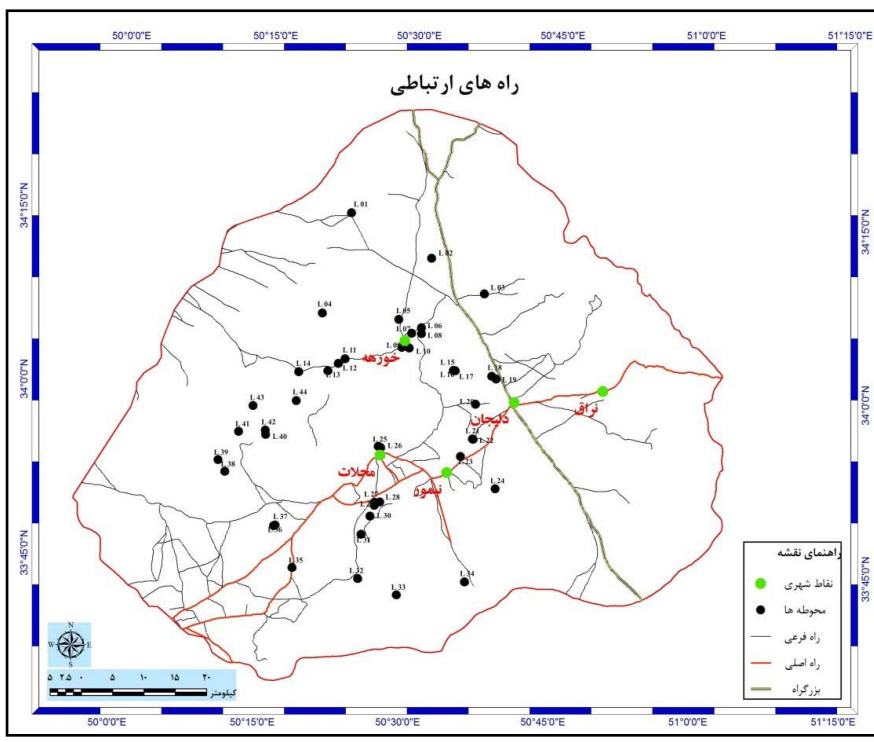
► نقشه ۴. پراکنش محوطه‌ها بر اساس فاصله از آبراهه‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۸).

با توجه به مطالب یاد شده می‌توان بیان نمود که هر چند از نظر کمیت در حدود ۶۵٪ محوطه‌های اشکانی منطقه‌ی لعل‌وار در حاشیه‌ی رودخانه و آبریزهای اصلی آن شکل گرفته‌اند، اما با تکیه بر شاخصه‌ی وسعت مکان‌های استقرار که رابطه‌ی مستقیمی با جمعیت یک دوره دارد، می‌توان بیان نمود به احتمال زیاد حدود ۸۵٪ وسعت استقرار دوره‌ی اشکانی را جوامع کشاورز تشکیل می‌دادند. نکته‌ی پُر اهمیت آن‌ست که این نتیجه با نتایج حاصل از مطالعه‌ی رابطه‌ی استقرارها با ناهمواری و کاربری زمین‌ها نیز قابل تطبیق است.

#### نقش مسیرهای ارتباطی در مکان‌گزینی محوطه‌های اشکانی

مطالعات و بررسی‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته در منطقه، حاکی از آن‌ست که در طی قرن‌های متمادی مسیرهای ارتباطی و اصلی منطقه‌ی لعل‌وار که شامل مسیر خمین به دلیجان و قم (جنوب‌غربی به شمال‌شرقی در حاشیه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار) و مسیر عیسی‌آباد به دلیجان و قم که از خورده عبور می‌کند (غربی-شرقی

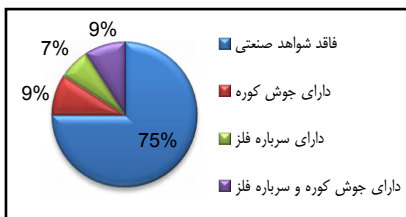
و در شمال منطقه‌ی لعل‌وار) می‌شود، تغییر زیادی نکرده است (علایی‌مقدم و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸)؛ از سوی دیگر، جغرافیای طبیعی حوضه‌ی آبریز رودخانه‌ی لعل‌وار نیز مؤید این مطلب است، به نحوی که به واسطه‌ی وجود کوه‌های مرتفع که در دو راسته‌ی موازی جنوب‌غربی به شمال‌شرقی در طرفین دره‌ی لعل‌وار کشیده شده‌اند و هم‌چنین ساختار دره‌ای دو ریزآبه‌ی اصلی خورمه (شرق به غرب) و بزيجان (شمال‌غرب به جنوب‌شرق)، فضای عملیاتی برای ایجاد راه‌های ارتباطی محدود است؛ به طوری‌که حتی در زمان حاضر نیز با وجود امکانات بسیار زیاد، به واسطه‌ی وجود همین کوه‌ها، جاده‌ی ارتباطی بین این منطقه با محدوده‌ی اراک که در غرب آن قرار گرفته وجود ندارد و جهت ارتباط بین این دو نقطه باید ابتدا به بخش جنوب‌غربی محدوده‌ی لعل‌وار (شهرستان خمین) رفت و سپس در مسیر دره‌ای لعل‌وار، وارد منطقه شد. در مسیر عبوری جاده‌ی اصلی منطقه، در دو قرن اخیر تغییراتی ایجاد شده است، به نحوی که جاده‌ی قدیمی و دوره‌ی قاجار که در فاصله‌ی نزدیک جبهه‌ی شمالی رودخانه‌ی لعل‌وار قرار داشت امروزه در بخش جنوب‌غربی در حدود ۷ کیلومتر به سمت شمال و در جبهه‌ی شرقی بعد از تغییر مسیر به سمت نیم‌مور، با ۳ کیلومتر تغییر مسیر به سمت جنوب است. با توجه به این مطالب یاد شده، می‌توان بیان نمود که به احتمال زیاد راه‌های ارتباطی و جاده‌ای در دوران تاریخی نیز تقریباً منطبق با مسیرهای قدیمی بوده است و شامل یک راه اصلی در حاشیه‌ی رودخانه در جهت جنوب‌غربی به شمال‌شرقی، دو راه نیمه‌اصلی جاده‌ی خورمه (در شمال منطقه و با جهت غربی و شرقی که در منتهی‌الیه شرق به جاده‌ی اصلی می‌رسیده است) و جاده‌ی بزيجان (در غرب منطقه و با



نقشه ۵. موقعیت محوطه‌ها نسبت به راه‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۸).

جدول ۹. تقسیم‌بندی محوطه‌های اشکانی براساس متغییر مواد صنعتی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ردیف	نوع محوطه	تعداد
۱	فاقد شواهد صنعتی	۳۳
۲	دارای جوش کوره (سفال)	۴
۳	دارای سرباره فلز	۳
۴	دارای جوش کوره و سرباره فلز	۴



▲ نمودار ۴. فراوانی محوطه‌های اشکانی براساس متغییر مواد صنعتی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

جهت شمال غرب به جنوب شرق که در منتهی‌الیه جنوب شرقی به جاده‌ی اصلی می‌رسیده است) و چندین جاده‌ی فرعی روستایی می‌شده است. با نگاهی کلی به نقشه‌های پراکندگی محوطه‌های اشکانی نسبت به راه‌ها (که براساس تلفیق مسیرهای فعلی با مسیرهای اصلی گذشته ترسیم شده است) گویای این است که هر چند تطبیق و تحلیل محوطه‌ها با جاده‌ی اصلی فعلی، چندان قابل استناد نیست، اما راه کهن و تاریخی منطقه که تا دوره‌ی قاجار نیز مورد استفاده قرار داشته، قابل استنادتر است و وجود بقایای پل‌ها و پل‌بندهای موجود از دوره‌های مختلف تاریخی و اسلامی در منطقه، مانند پل‌بندهای نیمور (ساسانی) و حسن‌آباد (قرون میانه تا متأخر اسلامی)، پل باقرآباد (صفویه و قاجار) و کاروانسراهای مختلف (مانند کاروانسرای کهک و دودهک)، می‌تواند تأییدکننده‌ی این امر باشد (نقشه ۵). با توجه به مطالب یاد شده، می‌توان بیان نمود که بیش از ۲۲٫۷٪ محوطه‌ها که اکثراً شامل محوطه‌های بزرگ اشکانی منطقه می‌شوند در حاشیه‌ی مسیر ارتباطی تاریخی منطقه‌ی لعل‌وار قرار دارند. ۲۰٫۵٪ دیگر محوطه‌های اشکانی در حاشیه‌ی جاده‌ی خوره و ۹٪ در حاشیه‌ی مسیر بزبجان قرار دارند. از باقی محوطه‌ها، تنها ۲۵ محوطه قابل تطبیق با راه‌های روستایی فعلی هستند و ۱۰ محوطه‌ی باقی‌مانده که تعدادی از آن‌ها از قلاع و استحکامات تشکیل می‌شود، هیچ‌گونه ارتباط معناداری با راه‌های قابل تشخیص ندارند.

### شواهد صنعتی در محوطه‌های اشکانی حوضه‌ی لعل‌وار

با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته در محوطه‌های اشکانی منطقه‌ی لعل‌وار، تنها در ۱۱ محوطه معادل ۲۵٪ از کل محوطه‌ها، شواهد فعالیت‌های صنعتی شامل جوش‌کوره و سرباره‌ی فلز قابل مشاهده است.

گفتنی‌ست محوطه‌های دارای شواهد صنعتی نیز با توجه به نوع مواد فرهنگی سطحی به سه دسته: محوطه‌های دارای شواهد صنعتی سفالگری، محوطه‌های دارای شواهد صنعتی ذوب فلز، و محوطه‌های دارای شواهد صنعتی ذوب فلز و سفالگری به صورت توأمان، تقسیم می‌شوند؛ از سوی دیگر، براساس میزان تراکم سطحی مواد فرهنگی مرتبط با فعالیت صنعتی می‌توان محوطه‌های اشکانی حوضه‌ی لعل‌وار را به سه گروه: محوطه‌های غیرصنعتی (فاقد شواهد و داده‌های سطحی فعالیت‌های صنعتی)، محوطه‌های نیمه‌صنعتی (محوطه‌هایی که در بخش محدودی از آن‌ها شواهد فعالیت صنعتی به چشم می‌خورد) و محوطه‌های صنعتی (محوطه‌هایی که دارای وسعت کم بوده و در کل آن شواهد فعالیت صنعتی قابل مشاهده است) تقسیم نمود (جدول ۹، نمودار ۴). با توجه به این مطالب می‌توان بیان نمود صنعت (با تکیه بر فعالیت‌های تولید سفال و ذوب فلز) در دوره‌ی اشکانی در حوضه‌ی لعل‌وار یا در بخشی از محوطه‌های بزرگ مانند محوطه‌ی جم یا تپه شهرداری صورت می‌گرفته است و یا محل‌هایی مختص به فعالیت‌های صنعتی ایجاد شده است که محوطه‌ی موجود در چاه‌فرخ یکی از این مکان‌ها است (تصویر ۷).



▲ تصویر ۷. شواهدی از پراکندگی سرباره و جوش‌کوره در محوطه‌های اشکانی حوضه‌ی رودخانه لعل‌وار (علایی‌مقدم و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸).

## نتیجه‌گیری

همان‌طور که در ابتدای مقاله بیان شد، این پژوهش جهت بازسازی وضعیت دوره‌ی اشکانی حوضه‌ی آبریز رودخانه‌ی لعل‌وار، در پی پاسخ‌گویی به دو پرسش بنیادی پیش‌روست: ۱- الگوی استقراری حوضه‌ی آبریز رودخانه‌ی لعل‌وار در دوره‌ی اشکانی به چه صورت بوده است؟ ۲- شاخصه‌های تأثیرگذار بر الگو و تحولات استقراری در دوره‌ی اشکانی حوضه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار شامل چه عواملی بوده و این عوامل در طی این دوره چه تأثیری بر تغییر الگوهای استقراری گذاشته است؟ در این راستا، مطالعات دامنه‌دار و منظمی به صورت بررسی‌های میدانی و تحلیل‌های استقراری بر مبنای تهیه‌ی نقشه‌های رقومی صورت‌گرفت که هر یک هم به صورت مجزا و هم پیوسته در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح شده، طرح‌ریزی شدند.

همان‌طور که بیان شد، طی بررسی‌های باستان‌شناختی صورت‌گرفته در منطقه‌ی آبریز رودخانه‌ی لعل‌وار، تعداد ۱۸۵ محوطه‌ی باستانی شناسایی شد که هر یک دارای یک یا چند دوره‌ی استقراری هستند. از مجموع این محوطه‌ها، ۴۴ مکان باستانی دارای شواهد استقراری از دوره‌ی اشکانی است که نسبت به دوره‌های قبل خود، نشان از رشد بسیار زیاد جمعیت در منطقه است و به عبارتی، اهمیت استقراری در منطقه افزایش پیدا کرده و در دوره‌ی بعد، یعنی ساسانی نیز تداوم می‌یابد. بیش از ۵۰٪ از محوطه‌های دوره‌ی اشکانی این منطقه در زمین‌های پست و حاصلخیز حاشیه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار، بزیجان و خوربه قرار دارند و ۱۰٪ نیز با وجود قرارگیری در کوهپایه‌ها و مراتع، با توجه به وجود چشمه‌ها، قابلیت کشاورزی محدود در کنار دامپروری را دارند که تا چند دهه‌ی گذشته نیز این شیوه‌ی زندگی در این قسمت‌ها به صورت گسترده قابل رؤیت بوده است. از نظر وسعت محوطه‌ها نیز اکثر محوطه‌های بزرگ در حاشیه‌ی رودخانه‌ها قرار گرفته‌اند و با افزایش سطح ارتفاعی منطقه و فاصله از زمین‌های حاصلخیز، نه تنها از تعداد محوطه‌ها کم می‌شود، بلکه از وسعت آنان نیز به صورت چشمگیری کاسته می‌شود؛ از سوی دیگر و با توجه به مطالعه‌ای که در مورد مکان‌یابی مسیرهای تاریخی منطقه انجام گرفت، بیش از نیمی از محوطه‌های این منطقه که شامل بزرگ‌ترین آن‌ها نیز می‌شود، در نزدیکی این راه‌ها قرار دارند و محوطه‌ای با وسعت بیش از ۳ هکتار وجود ندارد که در فاصله‌ای دورتر از این مسیرها شکل گرفته باشد.

با توجه به مطالب یاد شده، می‌توان نتیجه گرفت که منطقه در دوره‌ی اشکانی با توجه به شرایط محیطی مناسب، به‌ویژه جریان رودخانه‌ی پیرآب لعل‌وار و دو رود زیرمجموعه‌ی خوربه و بزیجان، چشمه‌های متعدد، زمین مناسب و حاصلخیز، مراتع غنی و شکار فراوان مورد توجه هرچه بیشتر قرار گرفته و پذیرای جمعیت قابل توجه‌ای شده است. جمعیتی که با توجه به مطالعات صورت‌گرفته بیش از هر چیز بر معیشت کشاورزی متکی بوده‌اند، به‌صورتی که در مکان‌گزینی محل‌های استقراری خود از یک سو، نه تنها در حاشیه‌ی رودخانه‌ی اصلی و دو رود فرعی اقدام به ایجاد محل استقراری نمودند، بلکه در همین مکان نیز بر وضعیت توپوگرافی

زمین، شیب آن و جنس توجه کامل داشتند؛ به طوری که استقرارهای بزرگ را در محلی از حاشیه‌ی رود قرار دادن (در محلی‌هایی که مسیر رودخانه دچار پیچش شده و با نهرکنی ساده بتوان آب را به درون زمین‌ها هدایت نمود) که امکان آب‌رسانی به زمین‌ها به سهولت انجام بگیرد و هم‌چنین خاک حاصلخیز داشته باشد. کشاورزی در منطقه به اندازه‌ای اهمیت یافته است که حتی در دوره‌های بعد برای هرچه بیشتر کردن دامنه‌ی آن، اقدام به کنترل آب از طریق ساختن بند نیم‌مور نموده‌اند؛ هم‌چنین باید توجه داشت که دامپروری نیز از جمله شیوه‌های معیشتی منطقه بوده که می‌توان آن را بسیار مهم شمرد، چراکه در بسیاری نقاط، ساکنان دوره‌ی اشکانی منطقه در مکان‌گزینی خود، بیش از آن‌که توجه به رودخانه‌ی اصلی داشته باشند، به دسترسی به مراتع و کوهپایه‌های دارای گیاهان علوفه‌ای توجه نموده‌اند و از آنجایی که منطقه‌ی مورد بحث دارای چشمه‌های فراوان است، در این‌کار از آزادی عمل فراوانی برخوردار بوده‌اند. از دیگر شیوه‌های معیشتی که در منطقه همواره مورد توجه بوده است می‌توان به شکارگری اشاره نمود؛ به طوری که منطقه‌ی مورد بحث حتی در زمان حاضر نیز یکی از معروف‌ترین شکارگاه‌های فلات مرکزی ایران است و شواهدی از شکارگاه‌های اختصاصی از دوره‌ی قاجار در آن باقی‌مانده است. برخی از محوطه‌های دوره‌ی اشکانی منطقه در قسمت کوهپایه‌ها و ارتفاعات را می‌توان مکان‌هایی در نظر گرفت که اهالی آن بیش از هر چیز به شکار مبادرت نموده‌اند. یافت شدن بقایای از چند سرپیکان فلزی در این محوطه‌ها خود گواهی بر این مدعا است.

در مورد الگوی استقرار منطقه در دوره‌ی اشکانی، هر چند به راحتی می‌توان ساختاری طولی با تکیه به رودخانه و آب‌ریزها را برای منطقه متصور شد، اما وضعیت ناهمواری‌ها در منطقه موجب به وجود آمدن وضعیتی جالب توجه در تقسیم‌بندی مناطق استقرار شده است؛ کوه‌های به هم پیوسته شمال دره‌ی لعل‌وار چون دیواری بخش شمالی، یعنی منطقه‌ی خورمه را از منطقه‌ی اصلی، یعنی دشت لعل‌وار جدا نموده است و تنها راه ارتباطی آن‌ها از طریق محل اتصال رود خورمه به رودخانه‌ی لعل‌وار در شمال شرقی است. همین امر ارتباط بین این دو منطقه را سخت و نظارت بر آن را با توجه به محدودیت‌های ترددی در دوران باستان، دشوار می‌نماید. به احتمال فراوان همین امر موجب شده است که دو مکان مرکزی در این منطقه به وجود بیاید که یکی در منطقه‌ی اصلی لعل‌وار و یکی در دره‌ی خورمه. منطقه‌ی اصلی، یعنی دره‌ی لعل‌وار با داشتن ۲۳ محوطه‌ی که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم تحت تأثیر رود لعل‌وار قرار دارند، دارای بیشترین تراکم در منطقه است که می‌توان محوطه‌ای بزرگ چون تپه جم را مکان مرکزی در نظر گرفت. مکانی که از یک سو در بهترین حاشیه‌ی رودخانه‌ی لعل‌وار قرار دارد، و از سوی دیگر موقعیت مکانی آن (با توجه به قرارگرفتن در مرکز منطقه و قرارداشتن در حاشیه‌ی راه تاریخی) به نحوی است که دسترسی به آن از تمام محوطه‌های اقماری امکان‌پذیر است. منطقه‌ی شمالی، یعنی دره‌ی خورمه نیز که مشکل ارتباطی مستقیم با بخش مرکزی دارد به احتمال فراوان دارای ساختار استقرار نسبتاً مستقلی بوده که با مرکزیت

محوطه‌ی خورمه با داشتن حداقل ۵۰ هکتار وسعت شکل گرفته است. احتمال این می‌رود که این منطقه در اختیار حاکم یا اربابی مقتدر و مستقل از بخش مرکزی اداره می‌شده است که وجود بقایای بنایی عظیم (احتمالاً حکومتی- مذهبی) در آن، خود حاکی از اهمیت این محوطه در ساختار سیاسی منطقه دارد. احتمالی دیگر نیز وجود دارد که حاکم منطقه‌ی مرکزی همان حاکم و یا ارباب منطقه‌ی خورمه بوده است که در هر دو منطقه دارای مکان استقرار و حکومتی بوده است. بررسی این احتمالات نیازمند کاوش‌های علمی در محوطه‌های بزرگ اشکانی چون محوطه‌ی جم، موهورسیاها و هم‌رز دارد که امید است در آینده‌ای نزدیک صورت پذیرد.

### کتابنامه

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۴۵، روزنامه خاطرات. به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- افشین، یدالله، ۱۳۷۳، رودخانه‌های ایران. جلد دوم، تهران: وزارت نیرو (شرکت مهندسی مشاور جاماب).
- افشاری، لیلا؛ و نقشینه، امیرصادق، ۱۳۹۳، «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی گورستان سنگ‌شیر همدان». مجله‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۷، دوره‌ی ۴، پاییز و زمستان، صص: ۱۱۳-۱۳۲.
- افاضلی، فاضل، ۱۳۸۷، توشه‌ای از تاریخ: سیمای شهرستان محلات. محلات: مهر محلات.
- بدیعی، ربیع، ۱۳۶۱، جغرافیای مفصل ایران. جلد اول، تهران: انتشارات اقبال.
- بنی‌جمالی، سیده لیلا؛ و علایی‌مقدم، جواد، ۱۳۹۳، «گزارش تعیین عرصه و حریم تپه جم محلات». آرشیو میراث‌فرهنگی استان مرکزی (منتشر نشده).
- بنی‌جمالی، سیده لیلا؛ و علایی‌مقدم، جواد، ۱۳۹۰، «گاهنگاری قلعه کک کهزاد کوه خواجه براساس نمونه‌های سفالین». مجله‌ی ایران باستان، سال ۲، شماره‌ی ۲، صص: ۲۵-۳۳.
- پوربخشنده، خسرو، ۱۳۷۴، «گزارش بررسی و شناسایی شهرستان محلات». آرشیو میراث‌فرهنگی استان مرکزی (منتشر نشده).
- پرادا، ایدت، ۱۳۸۶، هنر ایران باستان. ترجمه‌ی یوسف مجیدزاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جاوری، محسن، ۱۳۹۰، «گمانه‌زنی در غار شماره‌ی ۱ یک‌چاه». گزارش‌های باستان‌شناسی ۷ (مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه‌ی باستان‌شناسی ایران)، جلد سوم، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، صص: ۷۱-۷۷.
- خسروی، لیلا، ۱۳۸۵، «گزارش گمانه‌زنی به‌منظور تعیین حریم و عرصه محوطه‌ی تی‌هله خرم‌آباد». گزارش‌های باستان‌شناسی، با همکاری اداره کل امور فرهنگی سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، صص: ۷۱-۹۰.

- خسروزاده، علیرضا؛ و عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۳، «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه‌ی ماه‌نشان زنگان». مجموعه مقالات همایش شمال غرب، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، صص: ۴۵-۷۰
- خسروزاده، علیرضا؛ عالی، ابوالفضل؛ کنت، درک؛ و پرستمن، ست، ۱۳۸۵، «کهور لنگرچینی: بندرگاهی اشکانی بر ساحل خلیج فارس». گزارش‌های باستان‌شناسی ۵، با همکاری اداره کل امور فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صص: ۵۵-۷۰.
- رهبر، مهدی؛ و علی بیگی، سجاد، ۱۳۹۰، «گزارش پژوهش‌های باستان‌شناختی به‌منظور مکان‌یابی معبد لائودیسه در نهاوند». مجله‌ی پیام باستان‌شناس، سال ۸، شماره‌ی ۱۵، بهار و تابستان، صص: ۱۳۳-۱۶۸.
- رهبر، مهدی، ۱۳۷۹، «فصل اول کاوش‌های باستان‌شناسی آتشکده آتشکوه». آرشیو میراث فرهنگی استان مرکزی (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی، ۱۳۸۲، کاوش‌های باستان‌شناسی خورهه. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور.
- زنده‌دل، حسن، ۱۳۷۹، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی - استان مرکزی. تهران: نشر ایرانگردان.
- رحیم‌پور، علی، ۱۳۸۴، استان مرکزی فراتر از تاریخ. تهران: مرکز جامع اطلاعات گردشگری ایران.
- رمزی، حمیدرضا؛ و حسین‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۴، لرزه زمین ساخت لرزه‌خیزی و پهنه‌بندی خطر نسبی زمین لرزه در استان مرکزی. اراک: پیام دیگر.
- شهسوار، میثم، ۱۳۸۸، «بررسی روشمند باستان‌شناختی تپه‌ی باستانی تمب خرک واقع در شهرستان رودبار جنوب استان کرمان». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی (منتشر نشده).
- علایی مقدم، جواد؛ و بنی‌جمالی، سیده لیلا، ۱۳۸۸، «گزارش بررسی روشمند باستان‌شناختی شهرستان محلات». آرشیو میراث فرهنگی استان مرکزی (منتشر نشده).
- علایی مقدم، جواد، ۱۳۹۳، «گزارش لایه‌نگاری تپه قلعه کولک سیستان». آرشیو پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- عالی، ابوالفضل؛ و خسروزاده، علیرضا، ۱۳۸۹، «قلعه قشلاق: محوطه بزرگ اشکانی در ماه‌نشان زنگان». مجله‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال ۲، شماره ۳، بهار و تابستان، صص: ۷۶-۹۲.
- قمی، حسن بن محمدبن حسن، ۱۳۶۱، تاریخ قم. تصبیح و تحشیه: سید جلال‌الدین تهرانی، تهران: انتشارات توس.
- گیرشمن، رومن، ۱۳۷۹، ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه‌ی محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- گذار، آندره، ۱۳۷۷، هنر ایران. ترجمه‌ی بهروز حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لعل‌پار، مهدی؛ احدی، جواد؛ و قربانی، شهرزاد، ۱۳۹۱، نیم‌ور از آواز سنگ تا سکوت سنگ. کمره: انتشارات نور.
- مافی، فرزاد؛ بهینا، علی؛ و بهرام‌زاده، محمد، ۱۳۸۸، «توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های دوره‌ی اشکانی شهرستان قروه (کردستان)». مجله‌ی پیام باستان‌شناسی، سال ۶، شماره‌ی ۱۲، صص: ۸۵-۱۰۴.
- موحدی، سعید، ۱۳۷۵، «مردم‌نگاری شهرستان محلات». آرشیو سازمان میراث‌فرهنگی استان مرکزی (منتشر نشده).
- مقدم، عباس، ۱۳۸۴، «بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر». تهران: پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- موسوی‌کوهپیر، سید مهدی؛ و امیرعزندی، کاظم، ۱۳۸۹، «مطالعه سفال‌های اشکانی تپه کلار کلاردشت». مجموعه و خلاصه مقالات همایش ملی چشم‌انداز باستان‌شناسی شمال کشور در دهه آینده، مؤسسه آموزشی عالی مارلیک نوشهر، جلد اول، صص: ۴۳-۵۶.
- محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۴، «بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی در زاگرس مرکزی». رساله‌ی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۷، باستان‌شناسی و هنر اشکانی. تهران: انتشارات سمت.
- ولسکی، یوزف، ۱۳۸۳، شاهنشاهی اشکانی. ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- واندنبرگ، لویی، ۱۳۴۵، باستان‌شناسی ایران باستان. ترجمه‌ی عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هرینگ، ارنی، ۱۳۷۶، سفال ایران در دوران اشکانی. ترجمه‌ی حمیده چوبک، تهران: سازمان میراث‌فرهنگی.

- Debevois, N. C., 1934, *Parthian Pottery From Seleucia on the Tigris*, Univirsity of Michigan Press.

- Hakemi, A., 1990, "The excavation of Khorhe". *East and West*, Vol 40, Pp: 11-41

- Hansman, J. & Stronaach, D., 1974, "Excavations at Shahr-I Qumis". *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, No 1, Pp: 8-22

- Keall, E. & Keall, M. Y., 1981, "The Qaleh -I Yazdgird Pottery: A Statistical approach". *Iran*, Vol. XIX, Pp: 33-88.

- Kleiss, W., 1970, "Zurtopographic Des Parther Hanges, in Bistun". *AMI*, No. 3, Pp: 133-168.

- Kleiss, W., 1973, "Qaleh Zohak in Azerbaijan". *AMI*, No. 6, Pp: 163-188.